



کامران نوروزی

حقوق دان

حسن روحانی در نامه‌ای دلایل شورای نگهبان برای عدم احراز صلاحیتش را منتشر کرد. این دلایل که به اختصار بررسی می‌شوند، عبارت‌اند از: (نقل مستقیم از متن نامه)

(۱) ادعای اهانت به قوه قضائیه و شورای نگهبان

(۲) ادعای نداشتن بیش سیاسی در نامه دبیر شورای نگهبان - بدون ارائه هیچ مدرک و مستندی - ادعای شناخت‌ناداشتن درباره تهاجم غرب، اتهام غرب‌گرایی و اجرای ناصحیح «برجام» درباره عملکرد دولت ذکر شده است

(۳) ادعای عدم التزام به قانون اساسی موارد ادعایی مبنی بر ابلاغ‌نشدن چند مصوبه مجلس، تکرار بخشی از گزارش مورخ ۱۴۰۰/۱/۲۲ کمیسیون قضائی و حقوقی به قوه قضائیه درباره استنکاف رئیس جمهور از اجرای ماده (۱) قانون مدنی است...

(۴) ادعای تعرض به اعتقادات اصیل دینی» در این یادداشت بحث اصلی این نیست که آیا این ادعاها درباره حسن روحانی درست‌اند یا نه. پرسش مهم و بنیادین این است که این موارد چهارگانه آیا حقوقی هستند و در ساختار نظم قرار می‌گیرند یا نه؟

۱- اهانت کلمه‌ای است که یک معنای اخلاقی دارد و یک معنای حقوقی. در معنای اخلاقی اهانت به کسی آن است که برخی آداب جاری رعایت نشود. مثلا جواب سلام کسی را ندادن. یا در خطاب‌کردن دیگری کلمات احترام‌آمیزی مثل «آقا» یا «خانم» نکتفتن. تا تندگفتن و دادکشیدن موقع صحبت. عرف می‌گوید این کارها غیراخلاقی و اهانت‌آمیزند ولی از نظر حقوقی هیچ اثری ندارند و منجر به تنبیه فرد یا محرومیت او از حقوق قانونی نمی‌شود. در معنای حقوقی، اهانت مرادف توهین و یک جرم است که در مواد ۵۱۳ و ۵۱۴ و ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی تعریف شده است. جرم توهین علیه اشخاص حقیقی ممکن است رخ دهد. در جایی از قوانین ایران توهین به اشخاص حقوقی، مثل قوه قضائیه یا شورای نگهبان یا سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها تعریف نشده است. علاوه بر این طبق اصل ۳۷ قانون اساسی «اصل، برائت است و هیچ‌کس مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود». تا زمانی که کسی به حکم قطعی دادگاه به جرم توهین محکوم نشده باشد، نمی‌توان او را مرتکب اهانت و توهین دانست و آثار ارتکاب جرم، از جمله محرومیت از یک یا چند حق را بر او بار کرد.

۲- بیش سیاسی تعبیری کلی و نامفهوم است. در ایران که همه چیز از سنگک و بربری تا برجام غرق در سیاست است، مردم بیشی سیاسی دارند و روزانه باید به سیاست فکر کنند تا بتوانند زندگی خود را تنظیم کنند اما چیزهایی مثل نشانختن تهاجم غرب یا غرب‌گرایی را نمی‌توان فقدان بیش سیاسی دانست. این یک مشرب فکری است. درواقع شورای نگهبان معتقد به یک بیش خاص است و مدعی است چون یک نامزد هم‌عقیده با این نهاد نیست، بیش سیاسی ندارد.

۳- درباره تعریف التزام‌داشتن و التزام‌نداشتن به قانون اساسی بحث و سخن بسیار است. این بار شورای نگهبان دایره معنایی این واژه مهم را به شکلی عجیب گسترده است و (ادعای) ابلاغ‌نشدن چند قانون از طرف رئیس جمهور وقت را دلیل بر التزام‌داشتن به قانون اساسی تلقی کرده است. حتی به فرض صحت این ادعا او مرتکب نقض قانون اساسی شده است که با التزام‌داشتن به قانون اساسی زمین تا آسمان فرق دارد. کمترین مفهوم التزام به قانون اساسی قبول‌داشتن و اراده

به عمل به آن است. ممکن است کسی قانونی را قبول دارد ولی یک زمانی آن را رعایت نمی‌کند.

چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳
۶ ذی‌القعده ۱۴۴۵
۱۵ می ۲۰۲۴
سال بیست و یکم
شماره ۴۸۳۴
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

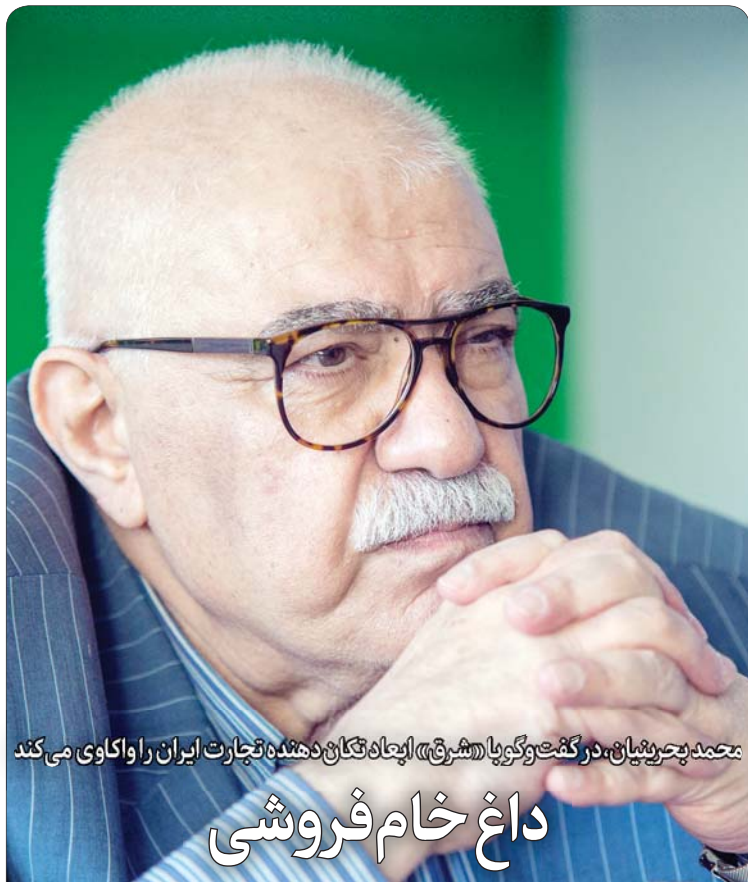
روزنامه شرق

در «شرق» امروز می‌خوانید: آخرین فصل حضور طارمی در پرتغال بر از غافلگیری بود؛ روزگار جدید مهدی • علی مطهری: همان انتقادات روحانی به قوه قضائیه را امروز از زبان اژه‌ای هم می‌شنویم

رئیس دستگاه قضا از محکومیت وزیر سابق کشاورزی در دولت سیزدهم، احضار یک وزیر و تفهیم اتهام ۴۵ نفر دیگر به اتهام فساد اقتصادی خبر داد

«دبشی»ها در محکمه

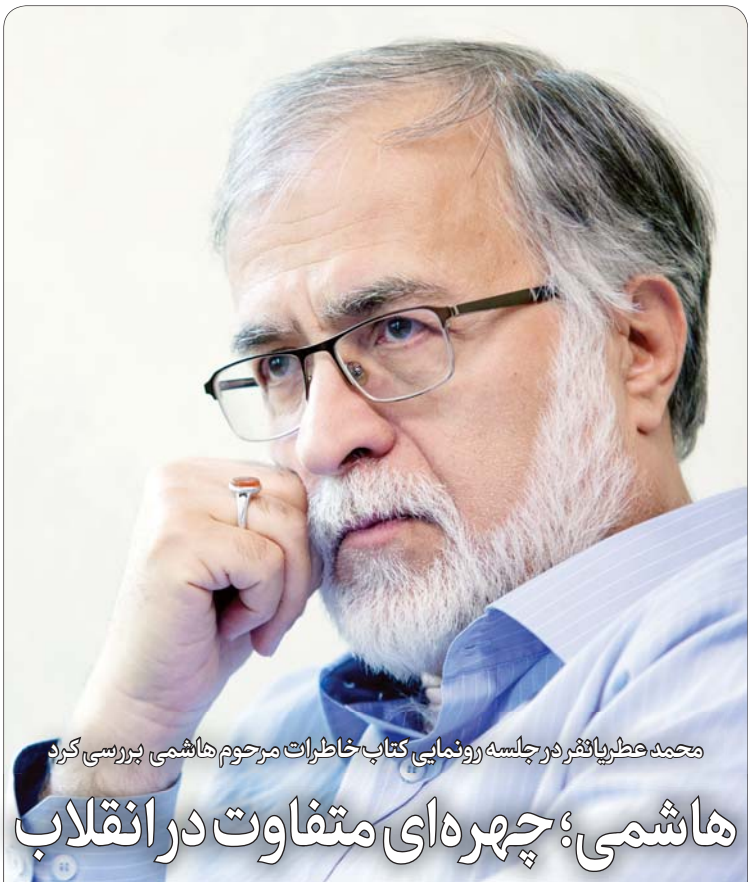
گزارش تیریک را در صفحه ۲ بخوانید



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

محمد پورنازیان، در گفت‌وگو با «شرق» ابهام‌تکان دهنده تجارت ایران را واکاوی می‌کند

داغ خام فروشی



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

محمد حطری‌افقیر در جلسه رونمایی کتاب خاطرات مرحوم هاشمی، بررسی کرد

هاشمی؛ چهره‌ای متفاوت در انقلاب

یادداشت

واقعیت اعتصاب طلا فروشان



مهدی جلالی

امنیته داده‌هاست. چه ضمانتی وجود دارد که اطلاعات محرمانه شخصی افراد به‌راحتی با هک شدن لو نرود و باعث سوءاستفاده‌ها و باج‌گیری‌ها و معضلات عدیده بعدی نشود. به‌ویژه اینکه در یکی، دو سال اخیر تعداد زیادی از اطلاعات نهادها و بانک‌های مختلف به همین شکل هک شد و حتی در دسترس عموم قرار گرفت. مشکل بعدی الزام به دریافت کد ملی از خریداران طلاست. مطمئنا مردم عادی زیر بار دادن کد ملی خود نخواهند رفت بنابراین از افرادی انجام این قانون، درگیری متعددی بین خریداران طلا و فروشندگان این صنف رخ خواهد داد که خود معضلات بزرگ‌تری را به همراه خواهد داشت. دقیقا ۱۰ سال قبل هم تصویب عجولانه و اشتباه مالیات بر ارزش افزوده بر اصل طلا منجر به همین درگیری و مشکلات عدیده بین مردم و فروشندگان طلا و جواهر شد که تا چندین سال رکود سختی به این صنف وارد کرد که در نهایت نیز منجر به اصلاح این قانون شد. حال با تصویب مالیات بر عایدی سرمایه و اطلاع مردم از این موضوع که با فروش طلای خریداری شده، باید مالیاتی به اندازه ۲۰ تا ۳۰ درصد از افزایش قیمت آن به دولت پرداخت کنند، نه تنها تحت هیچ شرایطی حاضر به ارائه کد ملی خود نخواهند بود بلکه نگرانی از مالیات منجر به کاهش خرید طلا خواهد شد و به این شکل رکودی که کم‌وبیش بازار طلا و جواهر را در بر گرفته، بیشتر و بیشتر خواهد شد و تیر خلاصی خواهد بود بر بیگر نیمه‌جان این صنعت.

متأسفانه تخصص این دولت در پیچیده‌کردن مشکلات، واقعا باورنکردنی است. تأکید بر تسریع اجرای سامانه جامع تجارت بدون کوچک‌ترین مشورت و نشست با بزرگان و ریش سفیدان این صنف جای تعجب دارد. بیش از یک هفته از این اعتصاب می‌گذرد اما نه تنها دولت توانست گوش شنوایی برای اهالی این صنف باشد بلکه سعی کرده با قدرت‌نمایی و ایجاد فشار، اهالی این صنف را وادار به اطاعت کند؛ مانند مصاحبه رئیس اتحادیه طلا و جواهر مشهد از اتفاقات تلخی که در این شهر روی داد و مغازه‌های بسیار زیادی بابت اعتصاب، پلمب شد.

جامع تجارت وجود دارد که نکته‌های مبهم و مهمی را در خود جای داده است که دو نکته اصلی آن محل جدال دولت و صنف طلا و جواهر است. طبق تبصره ۴ ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز کسبه این صنف باید تمام دارایی‌های طلای خود را با جزئیات کامل به تعداد و وزن دقیق در سامانه ثبت کنند. در صورتی که این صنف معتقد است طلا برخلاف موضوعات دیگری مثل یخچال و تلویزیون... کالایی سرمایه‌ای است، نه مصرفی. نه از نمایایی به آن تعلق می‌گیرد و نه یارانه‌ای در تولید و فروش آن داده می‌شود بنابراین لزومی به ثبت این‌گونه دارایی که شخصی قلمداد می‌شود، نیست و اساسا این تبصره مربوط به این صنف نمی‌شود. ضمنا نکته‌ای که در این صنف به شکل وسیعی وجود دارد، این است که طلای موجود در مغازه فقط مربوط به خود فرد نیست بلکه به صورت مشارکت یک یا چند نفر دیگر است که سرمایه خود را وارد این صنف کرده‌اند که متأسفانه این اتفاق قطعا منجر به خروج سرمایه‌های زیادی از این صنف و تعطیلی کارگاه‌های زیاد و بی‌کاری تعداد زیادی از افراد خواهد شد. پرا واضح است، سرمایه‌های زیادی که طی سال‌ها وارد این صنف شده، به‌سرعت به خارج از مرزهای کشور خواهد رفت. همین حالا هم زرمزه‌های زیادی مبنی بر دعوت کشورهای حاشیه خلیج فارس برای اهالی این صنف با معافیت‌ها و مشوق‌های مالیاتی متعدد برای جذب طلا و سرمایه به گوش می‌رسد.

نکته بسیار حساس و مهمی که باید توجه بسزایی به آن کرد، بحث

اعتصاب صنف طلا و جواهر؛ اتفاقی که دیر یا زود تکرار می‌شود. اما چرا؟ از یکشنبه ۱۶ اردیبهشت و هم‌زمان با اعتصاب صنف طلا و جواهر در تهران، یزد، اصفهان، مشهد و شهرهای دیگر، در فضای مجازی صحبت‌های زیادی درباره اعتصاب سراسری طلا فروشان، الزام ثبت میزان دارایی آنها در سامانه جامع تجارت، دریافت کد ملی از مردمی که برای خرید طلا مراجعه می‌کنند و چگونگی دریافت مالیات ۲۵ درصدی عایدی سرمایه از مردم و مواردی از این دست مطرح می‌شود. برای درک بهتر این موضوع بد نیست به چند ماه قبل برگردیم. دی‌ماه سال گذشته بود که اعتصاب طلا فروشان در واکنش به ثبت نام در سامانه جامع تجارت خبرساز شد که پس از چندین روز اعتصاب در نهایت قرار بر این شد که چند ماهی فرصت داده شود تا با همکاری اتحادیه‌های طلا و جواهر و صاحب‌نظران این صنف و نمایندگان وزارت صمت و دارایی معایب و مشکلات رفع شود اما پس از گذشت چهار ماه بدون هیچ برنامه و اصلاح و تغییر الزام به ثبت در این سامانه با شدت بیشتری در حال اجراست و به‌همین خاطر اعتصاب دوباره‌ای شکل گرفت.

با بررسی دقیق دلایل این اعتصاب به نکته مهمی برمی‌خوریم. برخلاف اطلاعات غلطی که در فضای مجازی مطرح می‌شود، دلیل اصلی این اعتصاب مشکل پرداخت مالیات نیست. همه صنف طلا و جواهر سالانه دو نوع مالیات (مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده) به دولت پرداخت می‌کنند و هیچ اعتراضی هم به آن ندارند. پس مشکل کجاست؟ مشکل در چگونگی ثبت نام صنف طلا و جواهر در سامانه جامع تجارت و اجرای تبصره ۴ ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. صنف طلا و جواهر موظف شده که در دو سامانه مجزا و نسبتا پیچیده تقریبا هم‌زمان ثبت نام کنند. اول سامانه مؤدیان پایانه‌های فروشگاهی است که مربوط به امور مالیاتی است و با هر تراکشی مالیات به صورت خودکار محاسبه و کسر می‌شود. دوم سامانه جامع تجارت وزارت صمت است که مرتبط با قاچاق کالا و ارز است. تقریبا همه صنف طلا و جواهر ثبت نام در سامانه مؤدیان را انجام داده و مشکلی در این زمینه ندارند اما به صورت تقریبا موازی سامانه

برگزیده‌ها



گفت‌وگوی احمد غلامی با کمیوثر اشتریان و عباس عبدی درباره دولت‌های بعد از انقلاب

بازگشت به مردم

در صحن شورای شهر تبریز ۱۴۰۱ شهرداری تهران بررسی شد

چالش‌های دخل شهرداری

به مناسبت انتشار اثری از اشرفان سواکی با ترجمه محمود حدادی

بازگشت امر سرکوب شده

آنچه گذشت

عرضه و حمل اینترنتی دارو ملاحظیات و مخاطرات یادداشتی از عباس کبریایی زاده

یادداشت

اولویت تعطیلی شبیه بر مبنای منافع ملی



محمد رضا یوسفی شیخ‌رباط

اقتصاد جهانی روزه‌روز در هم تنیده‌تر شده است. نگاهی به روند رشد تجارت جهانی نشان می‌دهد که حجم تجارت جهانی در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ به ترتیب ۳۲ و ۳۰٫۷ هزار میلیارد دلار بوده است. گرچه به دلایلی حجم تجارت جهانی در سال ۲۰۲۳ در مقایسه با سال قبل هشت درصد کاهش یافته است. باوجود این تجارت جهانی در دهه‌های اخیر از رشد قابل‌اعتنایی برخوردار بوده و از این طریق وابستگی کشورها به یکدیگر بیشتر از گذشته شده است. سهم ایران بیش از تحریم، حدود دو درصد از تجارت جهانی و اکنون حدود سه‌دهم درصد است. این به معنای انزوای اقتصادی ایران در عرصه جهانی است. یکی از معیارهای تحریم یک کشور، جایگاه آن کشور در تجارت جهانی و وابستگی دیگر کشورها به محصولات آن کشور و درجه جایگزینی است.

۹۳
ادامه در صفحه ۸

۹۳
ادامه در صفحه ۴

- مروری بر اندیشه‌ها و نظریات اقتصادی برای روزنامه نگاران و پژوهشگران اقتصادی | سعید لیلزاد
- اقتصاد رسانه | حجت میرزایی
- خلاقیت و نوشتن از خیابان (روایت‌هایی که در کف خیابان شکل می‌گیرند) | علی دهقان
- واکاوی موازین قانونی فعالیت‌های مطبوعاتی | مهدی صاحبی پسندیده
- کمی گفتگو درباره جامعه ترسناک بی گفتگو | شهاب الدین طباطبایی
- آموزش عکاسی پایه | مهرداد شیخانی
- تولید محتوای مولتی مدیا در رسانه و شبکه‌های اجتماعی | سینا رحیم پور
- رسانه و جنسیت | شهرزاد همتی
- گرافیک مطبوعات | حسین توکلی

برای ثبت نام و کسب اطلاع در مورد کلاس‌ها به شماره زیر در واتساپ پیام دهید ۰۹۱۰۲۰۴۳۹۲۴

شروع دوره از نیمه خرداد ماه

مدرسه کاربردی هنر و علوم ارتباطات «روزنامه شرق»

دومین دوره آموزشی خود را برگزار می‌کند

